



« منابع بیدار و جاودان قدرت در برابر تروریسم »

نویسنده: مظفر اقبال

امروزه اکثریت جامعه بشری به استحاله حقیقت تروریسم پی برده است. آنها که در طول تاریخ جان میلیون‌ها انسان را به تباهی کشانده و با زندگی زنان و مردان معصوم بازی کرده‌اند، امروزه به عنوان قربانیان تروریسم شناخته می‌شوند. کسانی که در گذشته و همچنان مبتلا به رنج‌ها و قتل عام ناشی از رفتارهای آشکار و غیر قابل توجیه تروریسم دولتی قرار دارند، تروریست نامیده می‌شوند. بدون شک میلیون‌ها انسان به دگرگونی و کاربرد معکوس این واژگان پی برده‌اند و تنها کسانی که تحت تأثیر ماشین تبلیغات تروریسم فریفته شده و در معرض شستشوی مغزی واقع شده‌اند از فهم این واقعیت به دور مانده‌اند. فلسطین، افغانستان، عراق شواهد خوبی برای فهم این حقیقت در زمان ما هستند.

پیش از این نیز شاهد تروریسم گسترده علیه برادران و خواهرانمان در بوسنی بوده‌ایم. چینی‌ها هنوز دچار رنج تروریسم هستند. کشمیری‌ها، سومالیایی‌ها و سودانی‌ها نیز در همین شرایط به سر می‌برند. اگر بخواهیم به بررسی تروریسم و وحشی‌گری علیه مردم جهان بپردازیم، متوجه می‌شویم قریب دو سده است که منابع و سرزمین‌های مردم مورد استعمار واقع شده و در این بین به راحتی می‌توان حضور پرتغالی‌ها، روس‌ها، آلمان‌ها، فرانسوی‌ها و بریتانیایی‌ها را مشاهده کرد. همه‌ی آنها مردم فقیر جهان را ترور کرده‌اند. و سرانجام به بزرگترین تروریست معاصر جهان، آمریکا باید اشاره کرد که جنایات بزرگی علیه بشریت انجام داده است. ایالات متحده آمریکا بر ظلم و ستم و ترور بنا شده است. کاخ سیاه قدرت که به اشتباه کاخ سفید نامیده می‌شود؛ هیچ چیز سفیدی در این کاخ شیطانی قدرت نیست، جز صاحبان قدرت در این کاخ که طبق یک قانون نانوشته ترور، اجازه ورود سیاهان را نیز بدان نداده‌اند. بنابراین همه چیز آشکار و واضح و مبرهن است. هر آن کس که گوش شنوایی و چشم بینایی دارد می‌تواند ظلم و رنجی که بر آنان که زندگی‌شان به دست‌های فرعون زمان ما تباه شده است و به ویرانی کشیده شده است را حس کند. فریادهای برآمده از زندان ابوغریب، ظلم‌ها و رنج‌های آنان که در خلیج گوانتانامو، که در حقیقت سیاه جهان زندانی شده‌اند، شاهد حقیقت تلخ جهان امروز است. سؤال اکنون اینجاست برای رسیدن به صلحی سریع در مقابله با این شیطان بزرگ جهان چه باید انجام داد؟ جهانی که دیگر امن به نظر نمی‌رسد. مردم ستم کشیده‌ی جهان چه وظیفه‌ای دارند؟ بر اساس چه گام‌های عملی و منطقی می‌توان به این مردم قدرت و امید بخشید؟

همه مردم، اعتراض تاریخی علیه تروریسم که برای تهاجم به عراق در مورد تسلیحات کشتار جمعی خیال‌پردازی می‌کرد را به یاد دارند. همه به یاد دارند که راه‌پیمایی‌های میلیونی مردم در خیابان‌های پاریس، لندن و نیویورک نتوانست مانع تهاجم تروریست‌ها به عراق شود. و از آنجا که راه‌پیمایی میلیونی مردم در خیابان‌ها مانع تهاجم تروریسم نشد، همه با یادآوری این حادثه تاریخی بزرگ دانستند که قدرت مردم باید از جایی ریشه‌دارتر و عمیق‌تر نشأت گیرد. اما آن سرچشمه‌ی جاودان قدرت کجاست و مردم از کجا می‌توانند به این انرژی بی‌پایان

دست یابند تا به واسطه آن بتوانند با تروریسم دولتی معاصر مقابله کنند؟ مقابله با جنایاتی که جان و مال و زندگی میلیون‌ها انسان را به ویرانی کشانده است.

بیاد داشته باشید که اکنون بیش از یک میلیون پناهنده عراقی تنها در خارج آن کشور هستند، بیش از دویست هزار مرد و زن و کودک معصوم عراقی کشته شده‌اند. درگیری‌های فرقه‌ای در عراق را شاهد باشید، عراقی که در آن صدها سال شیعه و سنی در صلح و آرامش کنار هم زیسته‌اند، اکنون چرا باید درگیر چنین جنگ فرقه‌ای بی شود؟ این همه قتل و خونریزی برای چیست؟ چه کسی مسوول این جنایات است؟ از عراق که بگذریم، موضوع افغانستان نیز شاهد دیگری است.

الگوی مدرن تروریسم دیگر برای همه روشن شده است. آنها سناریوی خود را با اتهامات جعلی نظیر وجود سلاح‌های کشتار جمعی و یا خیابانی درباره برنامه‌ی تولید بمب هسته‌ای، کلید می‌زنند و بعد در اطراف خود دنبال متحدی دیرین می‌گردند و حول آن برای خود متحدینی می‌تراشند و آنگاه بمبارانهای احمقانه‌شان آغاز می‌شود و ناوهایشان و تفنگ‌دارانشان لنگر می‌اندازند و رژیم دست‌نشانده‌ای بر سر قدرت می‌آورند.

در این زمان این رژیم دست‌نشانده را به سازمان ملل، نهاد قانونی و سازمان‌های حقوقی به رسمیت می‌رسانند و تروریسم دولتی بوجود می‌آورند و سرانجام سازمان ملل متحد این رژیم را رسمیت می‌بخشد. پس از این، رژیم دست‌نشانده نیز به نوبه‌ی خود از متجاوزان درخواست می‌کند که برای ایجاد ثبات و امنیت مردمش باقی بمانند و استقرار یابند و از اینجاست که تاراج و قتل عام آغاز می‌شود. و بدین‌گونه دستور العمل تروریسم مدرن بند به بند به طور کامل به اجرا در می‌آید.

اگر به دقت از نقطه نظر تاریخی به این موضوع نگاه شود، خواهیم دید که این دستورالعمل فقط نوع دیگری از روش استعمارگران قرن نوزدهم است. اکنون این آگاهی نسبت به مکانیسم تروریسم دولتی در چهارگوشه‌ی جهان وجود دارد. تمام آنها که در طی تاریخ گذشته و معاصر مبتلا به تروریسم بوده‌اند به این آگاهی رسیده‌اند و این اولین تغییر واقعی در نگرش مردم جهان نسبت به تروریسم از 300 سال گذشته به این سو می‌باشد.

اکنون هنگام آن رسیده است که از این موج آگاهی حمایت کرد، موجی که امید در دل مردم ستم‌دیده جهان از سانتیاگو در شیلی گرفته تا بغداد و تهران را زنده کرده است. این موج جهانی به ما امید می‌بخشد، انگیزه می‌بخشد و باید از این امید و آگاهی حمایت کرده، بدان قدرت بخشید و چنین امری مقدور نیست مگر با کشف سرچشمه فیاض و جاودان قدرت و امید.

همگان به خاطر دارند که تا همین قرن گذشته تنها چند صد سرباز انگلیسی و یا فرانسوی می‌توانستند بر سرزمین‌هایی به وسعت بنگال، سودان، مصر و حتی الجزایر حکمرانی کنند، اما امروزه، آنها با هزاران سرباز مهاجم نیز دچار رعب و وحشت می‌شوند و گرفتار می‌آیند. بدون شک این ثمره‌ی همان آگاهی جدید مردم جهان است. مردم در اقصی نقاط جهان به حقیقت دریافته‌اند که تروریست چه کسی است و از چه روش‌هایی برای پیشبرد مقاصد خود بهره می‌گیرد. اما منبع قدرت برای اثرگذاری این آگاهی، سلاح نیست بلکه چیز دیگری است.

برای آنان که در برابر تروریسم قد علم کرده‌اند، منبع واقعی قدرت و انگیزه، قلب‌ها، دل‌ها و ذهن‌های نورانی و مؤمن است. آنان که در سیاهی شب‌ها در برابر خدای خویش خاضعانه خشوع می‌کنند و به تضرع و نیایش مشغولند. این مردان و زنان، اکثریت خاموش جهان هستند که برای پیروزی مظلومین و رهایی آنان از چنگ ستم دعا می‌کنند و این هدیه‌ای آن جهانی است.

این یاری ریشه در عوامل مادی ندارد چرا که تاریخ به ما آموخته است که عوامل مادی قدرت، تقسیم‌کننده‌ی نهایی و مؤلفه‌ی تصمیم‌ساز در نبرد بین حق و باطل نیستند و نمی‌توانند در مواجهه با حق پیروز باشند. سلاح واقعی ملت

ستم کشیده مظلوم و هدف تروریسم واقع شده جهان، ایمان و تقوای قلب‌های مردان و زنان است، ایمانی که دور از دسترس بمب‌افکن‌های B52 و موشک‌های کروز قرار دارد و بر اساس قدرت ناشی از این ایمان حقیقی است که ملل مظلوم جهان می‌توانند با آخرین ترفندهای دشمنان و پیشرفته‌ترین ابزارهای بی‌سابقه در تاریخ مقابله کنند و پیروز از میدان خارج شوند. رسانه‌های الکترونیک و مکتوب دیگر نمی‌توانند موجب تضعیف اعتقادات واقعی آنان که به وضوح پی به ماهیت نبرد بین حق و باطل برده‌اند، بشوند. اکنون زمان جانفشانی‌های بزرگ و مجاهدت‌ها و شجاعت‌هاست. زمان تجدید قدرت در جهان برای مقابله با آنان که وحشت افکنده‌اند و طی سیصدسال گذشته بر ملل جهان ستم روا داشته‌اند. اکنون زمان فداکاری است و هنوز در ابتدای راه و دوران کودکی این مسیر هستیم. و امروز هنگام آن رسیده است که مخالفان تروریسم با توجه به درک و آگاهی به دست آمده تروریست‌های واقعی را متوجه قدرت این دو منبع اقتدار حقیقی بنمایند و به آنان عظمت اقتدار الهی را یادآور شوند. نخستین این سرچشمه‌ها خالق است، خالق که چنان امیدی در قلوب معتقدان و مؤمنان به ودیعه نهاده است که با هیچ سلاح بشر ساخته‌ای نابود شدنی و انهزام پذیر نیست خالق که نور او در دل‌های مؤمنان عامل شکست تمامی شیاطین و محو زورمداران از صحنه گیتی است.

و در پایان توجه مخاطبان را به دومین منبع سرشار امید معطوف می‌کنم، برای رسیدن به این سرچشمه باید به کوچه‌های طائف رجوع کرد.

کوچه‌های طائف یادآور گام‌های مردی چون محمدبن عبدالله(ص) است، مردی که گام می‌زد و مورد هتک تروریست‌های زمان خود واقع می‌شد. او پیامبر خدا بود. او به طائف سفر کرده بود تا مردم را به راه، صراط مستقیم الهی و راه حق و حقیقت فرا بخواند. اما با او چگونه برخورد کردند؟ مردم طائف بر او ستم کردند، او را دروغگو خواندند و جادوگرش نامیدند. در آن روزگار طائف، پیامبر اعظم در تنهایی و غربت با تروریست‌هایی مواجه شد که در حیات خود ندیده بود و در آنجا، در میانه‌ی رعب و وحشت و ترور، دست‌هایش را به سمت آسمان بلند کرد و گفت: «ای خدای بزرگ، من تنها به تو روی می‌کنم و از رفتار بد این مردم فقط نزد تو شکوه می‌کنم، من تنهاییم و جز تو کسی را ندارم. ای رحم‌کننده‌ترین رحیمان، تو خدای مستضعفینی و تو خدای منی و طردکنندگان من و دشمنان من.»

«تنها دوستی تو با من مهم است و دیگر هیچ، حتی جهانی دشمنی»

سرچشمه دوم قدرت این است. آنان که به حقیقت و در قلوبشان ایمان و اعتقاد به پیروزی حق دارند و باور دارند که خداوند با آنان است.

و این نور، این دعای ربانی به تمامی بشریت نازل شده است و زندگی پیامبر اعظم(ص) خود نشانه‌ای از چگونه برخورد کردن با تروریست‌های زمان‌اش است. گفتگوی پیامبر اسلام با خدای خویش، سرچشمه امید است. اکنون که جنبش جهانی مبارزه با ستم در جای جای جهان از ونزوئلا و شیلی در امریکای جنوبی گرفته تا جهان اسلام، آفریقا، خاورمیانه و آسیا گسترده شده است، باید بنای این موج امید را استوار ساخت و چنان پایه‌های آن را محکم و محکمتر کرد که در آینده‌ای نزدیک جهان شاهد نابودی ترور و تروریسم باشد.